

جایگاه و حقوق فرزندان در اسلام

اعظم پرچم *

سهیلا بوجاری **

پذیرش نهایی: ۹۲/۴/۲

دریافت مقاله: ۹۲/۲/۱

چکیده

امروزه یکی از مشکلات خانواده‌ها در روابط والدین با فرزندان عدم توجه آنها به تربیت و پرورش فرزندان است که این امر ناشی از عدم شناخت آنها از جایگاه فرزندان و وظایفشان در برابر آنان است. از این رو این پژوهش بر آن است که با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم، تفاسیر معتبر و روایات معصومین(ع)، که مفسر و عدل آیات قرآن هستند، وظایف والدین را در مقابل فرزندان بررسی، و فرمانهایی را استخراج کند که در کیفیت تربیت فرزند مؤثر است؛ این فرمانها شامل حقوق مادی و معنوی - اخلاقی است که مراحل پیش از تولد و پس از آن را در بر می‌گیرد. از رهیافتهای مهم این پژوهش این است که خداوند اساس تربیت بشر را بر محبت خویش استوار گردانیده است و از این رو کانون خانواده نیز بر محبت اعضا نسبت به یکدیگر شکل می‌گیرد. این محبت همراه با اجرای دیگر فرمانهای الهی موجب استحکام خانواده و کاهش تنشهای موجود در آن می‌شود.

کلید واژه‌ها: حقوق والدین در تعلیم و تربیت، فرزندان و خانواده، تعلیم و تربیت اسلامی، رابطه تعلیم و تربیت با حقوق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

از دیدگاه قرآن هدف آفرینش بشر رسیدن او به کمال است که این مهم در گرو کسب کرامت به دست می‌آید. انسان استعداد رسیدن به کمالات و مقام خلیفه الهی را دارد که با تربیت حقیقی او امکانپذیر است. خانواده از مهمترین محیط‌های شکوفایی استعدادهای فرزندان است و روابط والدین با آنها عنصر اساسی رشد و تربیت فرزندان در تمام ابعاد وجودی آنهاست.

انسان در راستای رحمت و محبت خداوند به کمال می‌رسد که این کرامت انسانی را به دنبال دارد. اگر شخص مورد محبت افراد خانواده قرار گیرد، احساس امنیت و ارزشمند بودن می‌کند؛ از این رو عزت نفس می‌یابد که نتیجه آن آبادانی جامعه خواهد بود. انسان کریم با اعضای خانواده خود رابطه‌ای صمیمی دارد و ارتباط و وظیفه خود را نسبت به اعضای خانواده دو سویه و متقابل می‌داند.

قرآن برای استحکام بنای خانواده در جهت رشد عزت نفس آدمی، حقوق و تکالیف هریک از اعضا را بروشنی بیان کرده است؛ به عنوان مثال یکی از وظایف والدین در برابر فرزندان، توجه به آموزش آنها است؛ همان طور که خداوند در اولین آیات نازل شده بر پیامبر (ص) از نقش قلم و تعلیم سخن می‌گوید (علق / ۱-۵)؛ زیرا معرفت، بینش و آموزش اساس خودشناسی و خداشناسی است. حیات خانواده در بینش اسلامی برضوابط اخلاقی و حقوقی متکی است که دامنه آن در برگیرنده شأن زوجین، فرزندان و والدین است. برخی از والدین فکر می‌کنند تنها آنها حقوقی بر فرزندان دارند و فرزندان آنها هیچ حقی ندارند در حالی که طبق فرمایش امام رضا (ع) حقوق فرزندان و والدین متقابل است (غروی، ۱۳۷۴: ۱۸۵).

کوتاهی کردن نسبت به حقوق فرزندان و بی توجهی به رشد انسانی، بلوغ ایمانی و شکوفایی فرهنگی فرزندان سرانجامی جز کجروی فرزندان و تیرگی سرنوشت دنیوی و اخروی آنها نخواهد داشت.

این پژوهش با استفاده از آیات و منابع روایی و تفسیری، حقوق فرزندان را در قالب حقوق مادی و حقوق معنوی قبل از تولد مانند انتخاب مادر شایسته، مراقبت هنگام مباشرت،... و زمان تولد مانند شیردادن به فرزند، انتخاب نام نیکو، رعایت سنتهای وارد شده که اجرای آنها علاوه بر آثار روحی برای کودک، مقدمه پذیرش او از سوی جامعه است و پس از تولد را در سه دوره

سیادت، اطاعت و وزارت به تفصیل بررسی می کند و دستورالعملهای رسیده در این زمینه عرضه خواهد شد.

جایگاه فرزندان در فرهنگ اسلامی

بسیاری از والدین فرزندان خود را چنانکه باید نمی شناسند و به تربیت آنان توجه کافی ندارند. انسان تا به کنه چیزی پی نبرد به اهمیت آن واقف نمی شود. به فرموده امام علی (ع): «الناس اعداء ما جهلوا» (مردم دشمن ندانسته های خود هستند). (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۸ / ۱۴). والدین به دلیل نشناختن جایگاه فرزندان و سهل انگاری در تربیتشان آنان را دشمن خود تصور می کنند؛ از این رو نخست در پرتوآیات قرآن کریم و روایات، جایگاه فرزندان مشخص، و سپس به حقوق آنان پرداخته می شود.

الف - جایگاه و منزلت فرزندان در قرآن کریم

قرآن مجید از فرزندان با عناوین مختلفی یاد کرده است:

۱ - نور چشم: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (فرقان/۷۴)

۲ - زینت بخش زندگی: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ تَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلًا» (کهف/۴۶)

۳ - فتنه و وسیله آزمایش بشر: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (انفال/ ۲۸)

«إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (تغابن/ ۱۵)

۴ - بشارت: «يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا» (مریم/ ۷)

ب - جایگاه و منزلت فرزندان در روایات اسلامی

معصومین (ع) در بیانات خود تحت عناوین مختلفی به جایگاه و منزلت فرزندان در خانواده اشاره فرموده اند؛ از جمله:

۱- جگر گوشه مؤمن: رسول اکرم (ص) فرمودند: «الولد كبد المؤمن إن مات صار شفيعا وإن

مات بعده يستغفر الله له فيغفر له» (نوری، ۱۳۸۲: ۱۵ / ۱۱۲)

- ۲ - برکت خانه: پیامبر اکرم (ص) به ابن عباس فرمودند: «یا ابن عباس بیت لا صبیان فیہ لا برکتہ فیہ...» (متقی هندی، ۱۳۷۲: ۲۸/۱۶)
- ۳ - گلی از گل‌های بهشت: سکونی از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند: «الولد الصالح ریحانه من ریاحین» (متقی هندی، ۱۳۷۲: ۱۵/۱۱۲)
- ۴ - وجود انسان: امام سجاده (ع) در رساله حقوق می‌فرماید: «و اما حق ولدک فأن تعلم إنه منک و مضاف الیک فی عاجل الدنیا بخیره و شره» (طبرسی، ۱۴۰۸: ۴۲۱)
- ۵ - بازوی پرتوان: امام حسن عسکری (ع) فرمودند: «فنعن العضد الولد... و إن الدلیل الذی لیس له ولد» (کلینی، ۱۴۱۰: ۵/۹۹)
- ۶ - ارث خدا: امام صادق (ع) می‌فرماید: «میراث الله من عبده المؤمن الولد الصالح یتستغفره له» (صدوق، ۱۴۰۱: ۳/۴۸۱)

حقوق فرزندان و وظایف و تکالیف والدین در مقابل آنها

در آیات قرآن حقوق والدین از نظر اهمیت پس از توحید قرار گرفته است «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۖ إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَوْفٍ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء/۲۳) که این نشاندهنده جایگاه و حقوق والای پدر و مادر در اسلام است؛ با این حال اسلام از حقوق و جایگاه فرزندان و وظایف والدین در مقابل آنها غافل نشده و در ضمن آیات و روایات متعددی به این مهم پرداخته است. اینک حقوق فرزندان در قالب دو دسته حقوق مادی و حقوق معنوی اخلاقی براساس آیات قرآن و روایات معصومین (ع) بررسی می‌شود:

الف - حقوق مادی فرزندان

۱- نفقه: پدر موظف است نیازهای مادی فرزندان را از قبیل غذا، مسکن، لباس، بهداشت، طبابت و... در دوران کودکی فراهم نماید که توانایی کار و کوشش را ندارند و در دوران جوانی و بزرگسالی چنانچه پدر متمکن باشد و فرزندانش در فقر روزگار می‌گذرانند بر او واجب است در حد توانایش از آنها رفع نیاز کند. این مسئله در اسلام نفقه نامیده می‌شود. از نظر سنت و روایات اسلامی و فتوای علمای مسلمان، موضوعی اجماعی است که بر والدین واجب است. در این حکم

اسلامی مادر نیز مانند پدر در صورت تمکن مالی باید نسبت به تأمین نیازهای فرزندانش ادای وظیفه کند. باید توجه کرد پدر در این امر مقدم است. طبق حدیثی از امام صادق (ع) تأمین هزینه فرزندان و والدین متقابل است و هر کدام فقیر باشد بر دیگری واجب است در صورت تمکن، نیاز او را بر طرف کند؛ خواه پدر و مادر باشند و یا فرزندان بزرگسال آنان: «خمسه لا يعطون من الزکاة شیئا: الأب و الام و الولد و المملوک و المرأة و ذلک أنهم عیاله لازمون له» (حرعاملی، ۱۳۶۷: ۱۵/۲۳۷) هزینه پنج گروه برای انسان واجب است و نمی توان هزینه آنان را از بابت مالیاتهای اسلامی حساب کرد و آنان عبارتند از: پدر، مادر، فرزند، برده، غلام و همسر.

۲- ارث: طبق احادیث اسلامی والدین باید زمینه رشد اقتصادی فرزندان خود را پس از مرگ نیز در نظر گیرند. آن چنان فرزندان خود را به کار و کوشش و تحصیل دانش وادار سازند که در زندگی دچار فقر نشوند؛ هم چنین اموال خود را برای فرزندان خویش باقی گذارند و با بخششهای نامناسب، که موجب تهیدستی فرزندان گردد، خشم خدا و رسولش را فراهم نسازند. در روایات اسلامی وارد شده است که یکی از اصحاب پیامبر اکرم (ص) برای تقرب الهی اموال خود را به فقیران و مستمندان بخشید و پس از فوتش فرزندان وی در اثر فقر گدایی می کردند. پیامبر (ص) از شنیدن این جریان ناراحت شدند و پرسیدند او را در کجا دفن نمودید، جواب دادند در گورستان مسلمانان. پیامبر (ص) فرمودند: «اما اینی لو علمته ما ترکتم تدفونه مع اهل الاسلام ترک ولده یتکفون الناس» (قمی، ۱۳۶۳: ۶۵۹/۲): اگر می دانستم به شما اجازه نمی دادم او را در گورستان مسلمانان دفن کنید؛ زیرا حقوق فرزندان را نادیده گرفته است که اکنون گرفتار فقر شده اند. طبق این حدیث ناراحتی پیامبر (ص) از آن مرد به این دلیل بود که اموال خود را به فقیران داده، و آینده فرزندان را نادیده گرفته بود. بدون تردید چنین کسی در پیشگاه خداوند به دلیل تضييع حقوق فرزندان مؤاخذه خواهد شد؛ زیرا در متون روایی آمده است: «إن الله عزوجل لیس بغضب لشیء کغضبه للنساء و الصبیان (کلینی، ۱۴۰۱: ۵۰): خداوند بر هیچ چیز به اندازه تخلف حقوق زنان و کودکان غضب نمی کند.

ب - حقوق معنوی - اخلاقی فرزندان

در این بخش حقوق فرزندان در دوران مختلف اعم از تولد، زمان تولد و پس از تولد و وظایف والدین در هر کدام از این دوران در مقابل فرزندشان براساس آیات قرآن و روایات

اسلامی مشخص خواهد شد.

۱ - حقوق فرزندان قبل از تولد

اسلام برای داشتن نسل پاک و سالم، مراقبتهایی را از قبل از تولد مورد توجه قرار داده است و تأکید دارد تولید مثل از راه مشروع و بر اساس سنت اسلامی باشد؛ خداوند متعال در سوره روم به این امر اشاره می کند و می فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَكِرُونَ» (روم/۲۱)، اسلام وضعیت کودک را در دوران ضعف و ناتوانی نادیده نمی گیرد؛ بلکه برای حمایت از وی حقوقی تعیین، و دیگران را به رعایت آن توصیه کرده است؛ از جمله این موارد:

- والدین شایسته

«وجود فرزند و اخلاق و تربیت وی به وجود والدین و اخلاق آنها وابسته است؛ زیرا از اختلاط نطفه مرد با تخمک زن، جنین در رحم مادر تشکیل، و به وسیله همین ترکیب عملی تمامی ویژگیها و اخلاق و روحیات والدین تحت ضوابط خاصی به فرزند منتقل می شود. بنابراین سلامت و آرامش روح و جان و سجایای اخلاقی و یا رذائل نفسانی پدر و مادر هر دو در فرزند مؤثر خواهد بود؛ لذا افراد باید در انتخاب همسر دقت کافی را به عمل آورند و با شایسته ترین افراد ازدواج کنند.» (بابازاده، ۱۳۷۵: ۸۹). اسلام تأکید کرده است که زوجین باید با ژرف اندیشی، خانواده خویش را بر شالوده دین و معیارهای دقیق آن بنا کنند. پیامبر اکرم (ص) در این باره فرموده اند: «انظروا فی آی شیء تضع ولدک فإن العرق دساس» (متقی هندی، ۱۳۷۲: ۳ / ۴۴۳). تمامی این تأکیدها در راستای فراهم نمودن زمینه ای مناسب برای تربیت صحیح و اسلامی کودک، و این بیانگر اهمیتی است که اسلام برای حقوق فرزندان حتی قبل از تولد قائل است. رسول خدا (ص) می فرماید: متوجه باشید که نطفه خود را در چه محلی مستقر می کنید؛ زیرا اخلاق والدین طبق قانون وراثت به فرزندان منتقل می شود. در قرآن کریم این امر مشهود است: «وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ» (کهف / ۸۲). آیه تأیید می کند که نتیجه اخلاق و رفتار انسان تنها متوجه خود او نمی شود بلکه به فرزندان او نیز می رسد.

- مراقبت هنگام مباشرت

زوجین از زمان ازدواج تا تولد فرزند باید مراقبتهایی را به عمل آورند که رعایت آن در

سعادت فرزند تأثیر چشمگیری دارد.

«از جمله حقوق فرزندان بر والدین این است که زمان انعقاد نطفه فرزند حالات جسمی و روانی پدر و مادر از نظر شرعی و علمی مطلوب باشد؛ زیرا همه این عوامل در تکوین کودک و ویژگی جسمی و اخلاقی وی مؤثر است و نادیده گرفتن آنها بدون شک موجب ندامت والدین و به زیان کودک تمام خواهد شد» (بابازاده، ۱۳۷۵: ۷۵). در کتابهای فقهی مطالب فراوانی درباره کیفیت زناشویی، زمان و مکان، حالت و ارزش آن و ذکر و دعا هنگام آن آمده است که رعایت هر کدام از این موارد در سرنوشت فرزند مؤثر خواهد بود.

- حق زندگی و مسئولیت والدین در برابر جنین

از مهمترین اهداف ازدواج ایجاد نسل است و از لحظه ای که در جنین روح دمیده می شود به عنوان موجودی زنده خداوند به او حق حیات داده است. قرآن عمل کسانی را که می خواهند او را از این حق محروم کنند، جنایت می داند و برای آن مجازات بازدارنده ای تعیین کرده است. «پس از انعقاد نطفه و تشکیل جنین، والدین به هیچ وجه حق نفی و یا سقط آن را ندارند. آنها براساس بینش اسلامی موظفند او را به عنوان امانت الهی بپذیرند و مراقب و حامی او باشند» (قائمی، ۱۳۷۰: ۸۱). در اسلام برای کسانی که از پذیرفتن این امانت الهی سرباز می زنند و موجب سقط آن می شوند، جریمه های دنیوی در نظر گرفته که در کتابهای فقهی به طور مفصل بدان پرداخته شده است؛ از جمله: «اگر پدر عامل سقط باشد، دیه به مادر او می رسد و اگر مادر مقصر باشد، دیه را به پدر او می پردازند و اگر هر دو مقصر باشند دیه به ورثه طفل غیر از پدر و مادر داده خواهد شد» (همان: ۸۱). در دین اسلام برای جنین حقوق مادی نظیر ارث، وصیت و وقف نیز در نظر گرفته شده است.

- تغذیه مادر

از حقوق فرزندان بر والدین این است که نوع تغذیه و کیفیت آن در دوران بارداری مادر مناسب باشد. نوع غذاها اعم از غذاهای حرام، کهنه و فاسد، مطبوع و مباح و... و تمام حالات روانی و اخلاقی مادر در وجود و روان کودک مؤثر خواهد بود. «امروزه تأثیر غذاها را در کودک کسی انکار نمی کند و یکی از عوامل ناقص الخلقه ها را در سوء تغذیه و کمبود ویتامینها می دانند که بعضی از پدران و مادران، آگاهانه یا ناآگاه در این دوران آن را نادیده می گیرند و باعث بدبختی و گرفتاری فرزند خود می شوند که پیامدهای وخیمی را به دنبال خواهد داشت» (بابازاده،

۱۳۷۵: ۷۷). بنابراین حقوق فرزندان ایجاب می‌کند مادران در این مقطع حساس بسیار مراقب باشند. دین اسلام در تمام مراحل راهنمای پیروان خویش است و در مقطع حساس دوران بارداری نیز توصیه‌های فراوانی برای پدران و مادران دارد؛ از جمله آن تغذیه مادر در این دوران است. با دقت در آیات قرآن در می‌یابیم که خداوند در دوران بارداری حضرت مریم (س) درخت خشکیده خرما را بارور می‌کند و به او دستور می‌دهد: «وَهَزَىٰ بِعِصِيٍّ إِلَيْكَ بَجَدِّعِ النَّخْلَةَ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا حَيْثَا» (مریم/۲۵). دقت در مفاد آیه نشان‌دهنده این است که رطب برای مادران باردار مناسبترین غذاهاست. این برداشت قرآنی با روایتی موافق است که از امام علی (ع) در این باره وارد شده است: «ما تأکل الحامل شیئا ولا تبدء افضل من الرطب» (حرانی، ۱۴۱۶: ۸۳): هیچ غذایی برای زن حامله از رطب و خرما بهتر نیست.

۲ - حقوق فرزندان هنگام تولد

- شیر دادن به فرزند

شیر مادر سودمندترین و مناسبترین غذا برای کودک پس از تولد او است؛ زیرا در این دوران علاوه بر ساختمان جسمی کودک، ساختار روحی او نیز تکوین می‌یابد و به این دلیل دین اسلام این امر را مورد تأکید قرار داده است. از مجموع روایات اسلامی در می‌یابیم که در وضعیت عادی، مادر حق دارد از شیر دادن به فرزندش خودداری کند یا برای این کار طلب اجرت نماید ولی در وضعیتی که پدر متمکن نباشد بر مادران واجب است این مسئولیت را برعهده بگیرند؛ زیرا به فرموده پیامبر اکرم (ص) شیر مادر مناسبترین شیر برای فرزند است: «لیس للصبی لبن خیر من لبن امه» (نوری، ۱۳۸۲: ۱۵۶/۱۵).

از دیدگاه اسلام، پدر نمی‌تواند مادر طفل را به شیردادن در وضعیت عادی مجبور کند و مادر حق دارد برای این کار اجرت بگیرد «... فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاتُّوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَاتَّمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَسْتَزِضِعْ لَهُ الْآخَرَىٰ» (طلاق/۶). در صورتی که مادر آمادگی شیردهی ندارد یا از این کار خودداری ورزد، دین اسلام توصیه به گرفتن دایه برای فرزند کرده است و ویژگیهایی را برای انتخاب دایه برشمرده و به رعایت آنها توصیه کرده است؛ زیرا تمام صفات دایه و اخلاق و شمائل او در فرزند مؤثر است. حضرت علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «انظر من یرضع اولادکم فإن الولد یشب علیه» (کلینی، ۱۴۰۱: ۴۴/۶).

خداوند در قرآن کریم در مورد مدت شیر دهی فرزند می‌فرماید: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ»

حَوَّلِينَ كَامِلِينَ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا... (بقره/۲۳۳). در آیه مدت شیرخوارگی دو سال تمام ذکر شده است و مادران حق دارند با توجه به وضع فرزند و تأمین سلامت او این مدت را کاهش دهند. در روایات اسلامی نیز می‌توان به حدیث امام صادق (ع) اشاره کرد که ایشان مدت شیردهی را ۲۱ ماه توصیه می‌کنند و کمتر از آن را ظلم در حق فرزند شیرخواره می‌داند: «الرضاع واحد و عشرون شهر افما نقص فهو جور علی الصبی» (صدوق، بی تا: ۸/۵۵۴).

- انتخاب نام نیکو

اهمیت انتخاب نام برای فرزند تاجایی است که در قرآن کریم بدان اشاره شده است: «... وَ إِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَ إِنِّي أُعِيدُهَا بِكَ وَ ذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (آل عمران/۳۶). نامی که برای فرزند انتخاب می‌شود، نقش مهمی در شخصیت وی دارد؛ از این رو باید به گونه‌ای انتخاب شود که در سالهای بعد باعث تحقیر و تمسخر وی نباشد. به این دلیل دین اسلام به والدین دستور می‌دهد حتی پیش از تولد فرزندشان نام نیکو برای آنان انتخاب کنند؛ چنانکه حضرت علی (ع) در روایتی نسبتاً مفصل بدین مسئله اشاره فرموده‌اند: «سموا اولادکم قبل أن یولدوا...» (نجفی، بی تا: ۲۵۵/۳۱). نام فرزندان را پیش از به دنیا آمدنشان انتخاب کنید؛ زیرا بچه‌های سقط شده شما در روز قیامت اعتراض خواهند کرد که چرا برای ما نامی انتخاب نکردید در حالی که پیامبر (ص) برای «محسن» نامی انتخاب کرده بود. در دین اسلام نامگذاری حتی در مورد کودکان سقط شده باید مراعات شود؛ زیرا «پیامبر (ص) فرمودند در روز قیامت کودکان از طریق نام خود، تعلق خویش را به والدین در می‌یابند» (قائمی، ۱۳۷۰: ۱۱۰). در روایات اسلامی بهترین نامهایی که معرفی شده‌اند آنهایی است که بندگی خدا را برساند؛ مانند عبدالله، عبدالرحیم، عبدالرحمن و... پس از آن نام مبارک پیامبران و اولیا و ائمه (ع) است که در این میان نام رسول خدا، حضرت علی (ع) و فاطمه (س) بر سایر نامها مقدم است. انتخاب نام نیکو برای فرزند تاجایی اهمیت دارد که حضرت علی (ع) آن را نخستین احسان پدر در حق فرزندش می‌داند: «اول ما یر الرجل ولده أن یسمیه باسم حسن فلیحسن احدکم اسم والده (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۱۵ / ۱۲۶). در روایات اسلامی در مورد نام پسر تأکید شده است حداقل تا هفت روز او را محمد بنامند و بعد از آن اگر خواستند نام دیگری بر او بگذارند. امام صادق (ع) فرموده‌اند: «لا یولد لنا ولدا الا سمیناه محمدا فاذا مضی سبعة ایام فان شیئا غیرنا و الا ترکنا» (نوری، ۱۳۸۲: ۱۵/۱۲۷).

- رعایت سنتهای وارد شده در روز هفتم تولد

دین اسلام در روز هفتم تولد فرزند دستورهایی خاصی را سفارش، و پدر و مادر را به آن توصیه کرده است. این دستورها پذیرش کودک را در جامعه اسلامی نشان می‌دهد. کودک عضوی از سازمان دینی، اجتماعی، فرهنگی سیاسی جامعه خواهد بود. او باید نخست در این سازمان پذیرفته، و آن‌گاه وابسته شود. وابستگی کودک به این جامعه مراسمی لازم دارد که در این نوشتار به طور مختصر به مواردی از آن، که در زمره حقوق فرزند هنگام تولد به شمار می‌آید، اشاره شود:

۱ - گفتن اذان و اقامه در گوش فرزند

هر قوم و ملتی در میان خود شعائر مخصوصی دارند که در ایام خاصی از آن استفاده می‌کنند؛ به عنوان مثال برخی از ملتها در زمانهای خاص به عنوان شعار، «ناقوس» کلیسا را به صدا در می‌آورند. در دین اسلام سفارش شده است هنگام نماز و برخی مواقع از جمله تولد کودک «اذان و اقامه» بگویند بدین صورت که در روز هفتم تولد در گوش راست نوزاد «اذان» و در گوش چپ وی «اقامه» بگویند.

به رغم تصور عامیانه، که انسان در کودکی چیزی در نمی‌یابد، «روانشناسی جدید ثابت کرده است روح کودک در شش سال اول زندگی بسیار گیراتر، حساستر و نقش پذیرتر از دوره های دیگر زندگی است» (طبسی، ۱۳۷۴: ۴۲). این عمل آثار روحی فراوانی را در فرزند خواهد داشت. معصومین(ع) فوایدی را که برای این عمل وجود دارد این‌گونه برشمرده اند: ابزاری برای دور کردن شیطان. «پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: من ولد له مولود فلیوذن فی اذنه الیمنی باذان الصلوه و الیقم فی اذنه الیسری فإنها عصمه من الشیطان الرجیم» (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۱۵ / ۱۳۶)، مصون ماندن از گزند شیطان. پیامبر اکرم(ص) فرموده اند: «یا علی اذا ولد لک غلام او جاریه فأذن فی اذنه الیمنی و اقم فی الیسری فإنه لا یضره الشیطان أبدا» (حرانی، ۱۴۱۶: ۱۴)، مبتلا نشدن به بیماری ام الصبیان. «پیامبر اکرم(ص) فرموده اند: «من ولد له و لدا فی اذنه الیمنی و اقام فی اذنه الیسری لم تضره ام الصبیان» (متقی هندی، ۱۳۷۲: ۴۵۷/۱۶) و...

۲ - غسل نوزاد

دین اسلام همواره بر رعایت نظافت تأکید می‌ورزد و از این روبه مناسبتهای مختلف غسلهای فراوانی را به صورت واجب یا مستحب برای پیروان خویش تبیین کرده است؛ از جمله اینکه به

والدین سفارش کرده است به منظور ادای حق رعایت بهداشت، که از حقوق فرزند به شمار می‌آید، پس از تولد او را غسل دهند. امام صادق (ع) در حدیثی غسل دادن نوزاد را واجب دانسته‌اند. البته تعبیر «واجب» برای تأکید بر استحباب آمده که نشان‌دهنده اهمیت این مسئله است.

۳- ختنه کردن پسران

اسلام ختنه کردن پسران را در روز هفتم تولد مورد سفارش قرار داده است و عامل تطهیر و رشد فرزند معرفی می‌کند. سنت اسلامی این است که تا هفت روز اول تولد ختنه انجام شود و تا زمان بلوغ می‌توان آن را به تأخیر انداخت و اگر این امر توسط والدین صورت نگیرد، خود شخص موظف است آن را انجام دهد. رعایت این سنت مختص دین اسلام نیست بلکه از زمانی که حضرت ابراهیم (ع) مأمور شد فرزند خویش اسحاق را ختنه کند در فرزندان اسحاق نیز عملی شد؛ پس ختنه کردن پسران از سنت‌های ابراهیمی است که در مذهب یهود هم مرسوم است. پیامبر اکرم (ص) در مورد اهمیت آن فرمودند: «طهروا اولادکم یوم السابع فإنه اطیب و اطهروا سرع لنبات اللحم و إن الارض متنجس من بول الاعلف اربعین صباحا» (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۱۵ / ۱۶۱): فرزندان خود را در روز هفتم تولد ختنه کنید؛ این کار باعث پاکی و رشد بدنی آنها، و زمین از بول شخص ختنه نشده تا چهل روز نجس می‌شود.

۴- سوراخ کردن گوش دختران

از سنت‌های اسلامی مورد سفارش پیامبر خدا و معصومین (ع) سوراخ کردن گوش نوزاد دختر است. «از نظر اسلامی سوراخ کردن گوش نوزاد دختر و پسر فرقی ندارد اگر چه در زمان ما به این سنت اسلامی در مورد پسران عمل نمی‌کنند» (بابازاده، ۱۳۷۵: ۹۳). در سیره پیامبر اکرم (ص) مشاهده می‌شود که ایشان به دخترشان حضرت زهرا (س) دستور دادند گوش‌های امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را سوراخ کند (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۱۵ / ۱۶۰).

۵- برداشتن کام نوزاد

از دیگر سنت‌های سفارش شده هنگام تولد فرزند، که سیره اهل بیت (ع) نیز بوده برداشتن کام نوزاد با خرما، آب فرات، تربت امام حسین (ع)، آب باران و... است. فلسفه این عمل را می‌توان زمینه سازی برای مهر ورزیدن کودک به اهل بیت (ع) دانست که در روایات ذکر شده است. امام علی (ع) در این زمینه فرموده‌اند: «اما إن اهل الکوفه لوحنکوا اولادهم بماء الفرات لکانوا لنا شیعه» (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۱۷ / ۲۱۲): اگر مردم کوفه کام فرزندان خود را با آب فرات بر می‌داشتند، همه

شیعه ما بودند.

۶- تراشیدن موی سر

امام کاظم(ع) این عمل را در زمره حقوق کودک و از وظایف والدین می‌داند... «یحلق رأسه فی السابع و یتصدق بوزنه ذهبا أو فضه...» (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۱۴۲/۱۵). از جمله وظایف والدین در روز هفتم تولد نوزاد این است که موی سر وی را بتراشند و هموزن آن طلا یا نقره به فقرا تصدق دهند و اگر آن هم مقدور نباشد، هرچه می‌توانند صدقه بدهند. بدیهی است چنین سنتی علاوه بر دستگیری از فقرا و مستمندان صدقه ای است که باعث رفع بلا می‌شود.

۷- عقیقه و ولیمه

در دین اسلام سفارش شده است وقتی خداوند فرزندی به کسی عطا می‌کند به شکرانه این نعمت الهی ولیمه دهد به این صورت که در روز هفتم ولادت کودک پس از تراشیدن سر او، پدر در راه خدا قربانی، و آن را بین فقرا و دوستان و همسایگان تقسیم کند که به این سنت اسلامی عقیقه می‌گویند. پیامبر اکرم(ص) فرموده‌اند ولیمه در پنج مورد مستحب است (کلینی، ۱۴۰۱: ۲۸۱/۶) که یکی از آنها هنگام تولد است که سفارش شده است تا سه روز ولیمه و طعام دهند. بدون تردید این عمل زمینه ساز پیوندهای اجتماعی است و علاوه بر آن، آثار روحی پر برکتی در سلامت روح و جسم کودک خواهد داشت و مقدمه ای برای پذیرش کودک از سوی جامعه است. طبق فرمایش پیامبر اکرم(ص) عقیقه دختر و پسر یکی است: «العقیقه شاه من الغلام والجاریه سواء» (نوری، ۱۳۸۲: ۱۴۲/۱۵)؛ زیرا سنت عقیقه در عهد جاهلیت نیز مرسوم ولی با خرافات آمیخته بود از جمله اینکه تنها برای نوزادان پسر عقیقه می‌کردند آن هم بدین صورت که پنبه‌ای را به خون می‌آغشتند و پس از تراشیدن موی نوزاد بر سر او می‌مالیدند. ابوهیریه از پیامبر اکرم(ص) نقل می‌کند که «إن اليهود کانت تعق عن الغلام شاه و لایذبحون عن الجاریه فقال رسول الله(ص) إذبحوا عن الغلام شاتین و عن الجاریه شاه» (ابن قیم، بی تا: ۱ / ۲۱۲). یهودیان برای نوزادی که پسر بود عقیقه می‌کردند ولی اگر دختر بود برایش عقیقه نمی‌کردند. پیامبر(ص) فرمود: برای پسر دو گوسفند و برای دختر یک گوسفند عقیقه کنید. هم‌چنین پیامبر(ص) به جای سنت خرافی که پنبه را به خون می‌آغشتند و بر سر نوزاد می‌مالیدند، دستور دادند به جای خون عطر بزنید.

۳- حقوق فرزندان پس از تولد

مسئولیت والدین در برابر فرزندان با تولد آنها به پایان نمی‌رسد بلکه می‌توان گفت

مسئولیت اصلی آنها پس از تولد و از اوان کودکی چه بسا بیشتر و سخت تر شود. از دیدگاه اسلامی مراحل رشد انسان را پس از تولد می‌توان به سه دوره متوالی تقسیم کرد. رسول خدا (ص) فرموده است: «الولدُ سیدٌ سبع سنین، و عبدٌ سبع سنین، و وزیرٌ سبع سنین» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵: ۱۶۸). از نظر پیامبر (ص) مراحل رشد انسان به سه دوره سیادت، اطاعت و وزارت تقسیم می‌شود. اسلام از هیچ یک از مراحل رشد و تعالی انسان غافل نیست و در زمینه هر یک از این مراحل، دستورهای داده است که باید مورد عنایت و توجه والدین قرار گیرد چه بسا غفلت از مسئولیت در هر یک از این دوران ضررهای جبران ناپذیری را به دنبال خواهد داشت که علاوه بر مصائب دنیوی، عقوبت اخروی نیز به دنبال دارد. امام سجاد (ع) فرموده است: «و اما حقُّ ولدکُ اَنَّکُ مسئولٌ عما ولیته من حُسن الادب و الدلالة علی ربه و المعونة له علی طاعته فیک و فی نفسه فمُتابٌ علی ذلک و مُعاقبٌ، فاعْمَلْ فی امره علی المتزین بحُسن اثره علیه فی عاجل الدنیا، المعذر الی ربه فیما بینک و بینه بحُسن القيام علیه و الأُخْذ له منه» (حرانی، ۱۴۱۶: ۲۶۳) حق فرزندت این است بدانی او جزئی از وجود تو و در دنیا با هر خیر و شری که دارد به تو منسوب است و تو در حسن تربیت، راهنمایی به خدا، کمک به او در اطاعت از تو و ایجاد روحیه فرمان پذیری مسئولی و در این زمینه پاداش یا کیفر داری؛ پس با وی چنان رفتار کن که در دنیا آثار نیک تربیت مایه سرافرازی و زینت تو باشد و در آخرت به سبب ادای وظیفه در پیشگاه الهی معذور باشی.

الف - حقوق فرزندان در دوره سیادت

دوره سیادت از تولد آغاز می‌شود و تا هفت سالگی ادامه می‌یابد. دوران سیادت بدین معنا نیست که کودک باید به طور مطلق آزاد باشد و هر کاری که خواست انجام دهد و هیچ محدودیتی نداشته باشد؛ بلکه به این معناست که در این دوران، کودک تکلیف و مسئولیت ندارد و اگر والدین از او درخواست کردند که کاری را انجام دهد، نباید مورد مؤاخذه قرار گیرد و به دلیل ناتوانی در ابتدای زندگی همانند سرور و مولا باید مورد احترام قرار بگیرند. از این رو اسلام آموزشهای رسمی را در هفت سال دوم زندگی طرح کرده است. از وظایف والدین در این دوره می‌توان توجه به بازی کودکان و زمینه‌های مربوط به آن، محبت به فرزند و اظهار آن، رعایت عدالت بین فرزندان اشاره کرد.

- بازی کردن با فرزند

بازی یکی از نیازهای طبیعی کودک است که بدون آن رشد سالم نخواهد داشت. «بازی در عین اینکه وسیله سرگرمی کودک است دارای جنبه آموزندگی و سازندگی نیز هست و شاید در برخی موارد ارزش اشتغال کودک بدان بیشتر از ارزش کتاب خواندن باشد. بازی اگر خوب و اندیشیده باشد به کودک فرصت می‌دهد تا بهتر کار کند؛ بیشتر یاد بگیرد؛ فهم اجتماعی او افزایش یابد و اخلاقش ساخته شود» (قائمی، ۱۳۷۰: ۲۳۲). پدر و مادر در برابر این نیاز طبیعی کودک خود وظایفی دارند که از آن جمله توجه به نوع بازی، همبازی، محیط بازی و مقدار بازی فرزند است. پیامبران و معصومین (ع) نیز به این نیاز طبیعی فرزندانشان توجه داشتند و علاوه بر تشویق آنان به بازی خود نیز در بازی آنها شرکت می‌کردند. همان‌گونه که در قرآن کریم به این اشاره شده است: «قَالُوا يَا بَنَاتَا مَا لَكِ لَّا تَأْمَنَّا عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ» *أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَ إِنَّا لَهُ لَحَفِظُونَ» (یوسف/۱۲-۱۱). در این آیات، حضرت یعقوب (ع) در برابر استدلال فرزندان نسبت به نیاز حضرت یوسف (ع) به گردش و تفریح، هیچ پاسخی نمی‌دهد و عملاً آن را می‌پذیرند. این خود دلیل است که بازی و سرگرمی سالم برای فرزند، نیاز فطری و طبیعی است و نباید از آن جلوگیری کرد (الله یاری، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

پدر و مادر باید زمینه انواع بازیها را متناسب با سن کودک فراهم کنند تا استعدادهای کودک بتدریج شکوفا شود و وی را از همان دوران طفولیت از بازیهای باز دارند که از نظر شرعی حرام و جنبه قمار دارد (غروی، ۱۳۷۴: ۱۶۳). زیرا قرآن کریم آشکارا به ضررهایی اشاره کرده است که چنین بازیهای دارد و می‌فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْكَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» *إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنتُمْ مُنْتَهُونَ» (مائده/۹۱ و ۹۰). با مراجعه به سیره معصومین (ع) مشاهده می‌شود آنها در انتخاب نوع بازی فرزندانشان علاوه بر در نظر گرفتن بعد تفریحی و سرگرمی به جنبه‌های دیگر نیز توجه داشته‌اند؛ به طور مثال پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «علموا بنیکم الرمی، فإنه نکایه العدو» (متقی هندی، ۱۳۷۲: ۴۳۴/۱۶). به پسران خود تیراندازی را آموزش دهید که این کار باعث آزرده‌گی و خشم دشمنان دین می‌شود. در این حدیث پیامبر (ص) علاوه بر نشاط و سلامت جسمی هدف ارزشمند دیگری یعنی تضعیف روحیه دشمن را در نظر گرفته‌اند. از طرفی کودکان در بازیهایشان به همبازی نیاز دارند. از وظایف

والدین این است که گاهی در بازیهای کودکان شریک شوند و خود را در سطح کودکان تنزل دهند و روحیه‌ای شبیه روحیه آنها در خود ایجاد کنند. در سیره پیامبر اکرم (ص) چنین امری مشاهده می‌شود و از ایشان نقل شده است: «من کان عنده صبی فلیتصاب له» (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۲۰۳/۱۵): هرکس کودکی داشته باشد باید با وی کودکانه رفتار کند. اسلام علاوه بر توجه به بازی، که نیاز طبیعی کودک است به حدود و مقدار آن توجه دارد و در این راستا به والدین توصیه‌هایی می‌کند. امام صادق (ع) فرموده‌اند «الغلام یلعب سبع سنین و یتعلم الکتاب سبع سنین و یتعلم الحلال والحرام سبع السنین» (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۱۰/ح ۲۲۴۵): کودک باید هفت سال بازی کند؛ هفت سال قرآن فرا گیرد و هفت سال حلال و حرام آموزش ببیند. طبق این حدیث وظیفه پدر و مادر این است که علاوه بر فرصت دادن به کودکان برای بازی، باید در مراحل از زندگی آنها به رشد فکری و دینیشان باشند.

- محبت به فرزند و اظهار آن

یکی از نیازهای مهم روانی کودک، که زمینه‌ای برای تشکیل اخلاق در ذهن اوست، محبت از سوی دیگران بویژه پدر و مادر است. «بررسیهای متعدد درباره کودکان ثابت کرده که محبت مهمترین عامل سلامت روح کودک و عدم آن موجب نا بهنجاریهای روانی است» (قائمی، ۱۳۷۰: ۱۴۴). نوع محبت والدین در سالهای مختلف متفاوت است اما باید توجه کرد محبت به کودک در سالهای اولیه زندگی سازنده تر است. «وجود محبت و ابراز آن از والدین در کودکان اثر عمیقی در تعدیل رفتار دارد؛ موجب کشش و جذب می‌شود و زندگی او را همراه با نشاط می‌کند.» (قائمی، ۱۳۷۰: ۱۴۹). والدین می‌توانند با محبت به فرزندان، کرامت و عزت نفس را در آنان افزایش دهند و از این طریق، مصونیت از انحرافات بعدی را فراهم آورند. اساس دین اسلام مهر و محبت است؛ از این رو برای مهر ورزیدن به فرزند جایگاه ویژه‌ای قائل، و توصیه‌های فراوانی در ابراز آن نموده است. در روایتی از امام صادق (ع) محبت به فرزند به عنوان بهترین عمل نزد خداوند معرفی شده است. «قال موسی یارب ای الاعمال أفضل عندک؟ قال: حب الأطفال فانی فطرتهم علی توحیدی فان امتهم ادخلتم برحمتی جنتی» (نوری، ۱۳۸۲: ۱۱۴/۱۵). امام سجاده (ع) نیز مهر ورزیدن به کودک را در زمره حقوق او شمرده و در این باره فرموده‌اند: «و اما حق الصغیر فرحمته و تثقیفه و تعلیمه و العفو عنه و الستر علیه و الفرق به و المعونۃ له و الستر علی جرائر حدائته فانه سبب للتوبۃ و المداراة له و ترک مما حکته فان ذلک ادنی لرشده» (رنجبری، ۱۳۸۳: ۶۹): و اما

حق کودک، مهر ورزیدن به او، پرورش و آموزش وی و گذشت و پرده پوشی از خطاهای کودکانه وی و نرمش و کمک کردن به اوست؛ زیرا سبب توبه، مدارا و تحریک نکردن او و نیز کوتاهترین راه رشد او است.

محبت والدین به فرزندان، غریزی است اما اثر تربیتی و نقش اساسی در رشد اخلاقی و تعادل روانی کودک زمانی خواهد بود که محبت از سوی والدین ابراز شود. اظهار محبت در دوره نوجوانی و جوانی، که فرزند با محیط خارج از خانه ارتباط بیشتری پیدا می‌کند، دو چندان می‌گردد. در آموزه های اسلامی ابراز محبت به عنوان وظایف والدین نسبت به فرزندان در قالب دستورالعملهایی مطرح شده است: از جمله بغل کردن و در آغوش گرفتن، نوازش کردن، سخن گفتن ملایم و دلپذیر، بوسیدن، نگاه مهربانانه، هدیه دادن و...

اسلام دین متعادلی است و همواره پیروان خویش را از هرگونه افراط و تفریط بر حذر می‌دارد ضمن اینکه در تربیت توجه و محبت کافی به فرزندان را از وظایف اصلی والدین شمرده است؛ چنانکه پیامبر اکرم(ص) در این باره می‌فرماید: «کسی که به کودک ترحم، و به بزرگسالان احترام نکند از ما نیست» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۳۶/۷). به آنها توصیه شده است از افراط و تفریط در محبت به فرزندان خود بپرهیزند. امام صادق(ع) در این باره می‌فرماید: «شرالاباء من دعاه البرّ الی الافراط» (یعقوبی، ۱۳۸۵: ۵۳/۳): بدترین پدران، کسانی هستند که نیکی به فرزندان، آنان را به افراط بکشاند؛ زیرا محبت به فرزند زمانی مفید خواهد بود که از حد اعتدال خارج نگردد. محبتی باعث رشد و شکوفایی فرزندان می‌شود که معتدل و راستین و متناسب با سن و سال، وضع و حال فرزندان باشد.

- رعایت عدالت بین فرزندان

یکی از وظایف پدران و مادران، رعایت عدالت در رفتار با فرزندان است؛ زیرا ثمره تبعیض بین فرزندان نه تنها متوجه آنان که دامنگیر والدین نیز خواهد شد و اعتماد فرزندان از پدر و مادر سلب، و علاوه بر آن باعث به وجود آمدن حسادت، کینه توزی و دشمنی بین فرزندان خواهد شد. همان گونه که در قرآن کریم در داستان حضرت یوسف (ع) این موضوع مشاهده می‌شود که محبت و توجه حضرت یعقوب به حضرت یوسف (ع) باعث حسادت برادران وی به او شد. امام باقر(ع) نیز در روایتی به این مسئله اشاره می‌کند و می‌فرماید: «به خدا سوگند! من گاهی با یکی از فرزندانم بیش از حد نرمی و مدارا می‌کنم. او را بر زانو می‌نشانم و به شیرین کاری با او

می‌پردازم و از او تعریف و تمجید می‌کنم در حالی که می‌دانم حق با دیگر فرزندانم است اما از این ترس دارم که مبدا ماجرای حضرت یوسف و آنچه برادرانش با او کردند بر سر او نیز بیاید و در حقیقت خداوند متعال این سوره را جز برای درس عبرت نازل نکرده است از بهر آنکه بعضی از ما بر بعضی دیگر حسد می‌ورزند چنانکه برادران یوسف بر او حسادت و ستم کردند» (حرعاملی، ۱۳۶۷: ۳۴۴/۱۳). در دوران جاهلیت تبعیض بین فرزند دختر و پسر تا حدی بود که عربها دختران خود را می‌کشتند و داشتن دختر را ننگ می‌دانستند؛ در چنین اوضاعی دین اسلام با ظهور خود به این وحشیگریها پایان داد و به پدران و مادران سفارش کرد در احترام به دختران خود بکوشند و در مواردی مقدم داشتن دختران بر پسران را در محبت لازم می‌داند. در سیره معصومین (ع) رعایت عدالت بین فرزندان، کاملاً مشهود است؛ چنانکه روایت شده است حضرت سجاده (ع) هرگاه صاحب فرزندی می‌شدند از دختر و پسر بودن او سؤال نمی‌فرمودند بلکه از سالم بودن او می‌پرسیدند و اگر سالم بود می‌فرمود سپاس خدا را سزااست که از من فرزند معیوب و معلول نیافرید. باید توجه کرد والدین نباید بدون دلیل فرزندان را بر یکدیگر برتری دهند؛ اما کارهای خوب آنان را مورد تقدیر قرار دهند تا زمینه برای تشویق آنها بر تکرار چنین کارهایی و الگوپذیری دیگر فرزندان فراهم شود؛ منتها با بیانی صحیح که موجب تبعیض و حسادت بین آنها نشود.

ب - حقوق فرزندان در دوره اطاعت و نوباوگی

این مرحله از رشد فرزند، تعیین کننده و حساس در سرنوشت او است؛ از این رو اسلام توجه و عنایت خاصی به آن مبذول داشته است. امام علی (ع) در اهمیت این مرحله از زندگی می‌فرماید: «الزم نفسک سبع سنین فان افلح و الا فانه لا خیر فیه» (حرعاملی، ۱۳۶۷: ۳۲۰/۵). اطاعت از فرمان و دستورات را به مدت هفت سال بر او واجب ساز؛ پس اگر نجات یافت چه نیکوست و گرنه خیری در او نیست. وظیفه والدین در این هفت سال این است که مقدمات آموزش و یادگیری کودکان را فراهم و قوانین، مقررات و مهارتهای لازم را به او آموزش دهند. دانشمندان تعلیم و تربیت این دوره را بهترین زمان آغاز آموزش و تربیت کودک می‌دانند. در این دوره فرزند نباید به حال خود رها شود بلکه باید با نظارت بر رفتار وی مسئولیتها و نقشهای مختلف به او آموخت و با تربیت صحیح او را برای مرحله وزارت آماده کرد که دوره جوانی است. از وظایف والدین در این مرحله می‌توان به تربیت قوام بخش، توجه به آموزش، احترام و تکریم، مشورت و انتخاب و کنترل

دوستان فرزندان اشاره کرد.

- تربیت قوام بخش

بخش عمده ای از پیروزیها و احیانا شکست ها و نابسامانیهای دوران بزرگسالی در کمال تربیت یا سوء تربیت در دوره کودکی و نوجوانی ریشه دارد. حضرت علی(ع) ضمن سفارشی به فرزند خود امام حسن مجتبی(ع) به مستعد بودن روح نوجوانان برای رشد و تکامل اشاره می کند و می فرماید: «و إنما قلب الحدث كالارض الخاليه ما القى فيها من شيء قبلته فبادرتك بالادب قبل أن يقسوا قلبك و يشتغل بك» (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۱۹۷). بی تردید دل نوجوان چون زمینی آماده و بی کشت است و آماده پذیرش هر بذری است که در آن افکنده شود؛ پس به تربیت تو شتافتم پیش از اینکه دلت سخت شود و خاطرت به چیزی اشتغال یابد.

والدین در این مرحله تربیت فرزند را در ابعاد گوناگون دینی و معنوی، عاطفی، اجتماعی، جنسی و اقتصادی بر عهده دارند.

- پرورش دینی و معنوی

میل به مذهب و امور دینی و اخلاقی، فطری است که در کودکان و نوجوانان نیز وجود دارد. خداوند در قرآن کریم به وجود این بعد فطری مذهبی در انسان اشاره فرموده است: «... فَطَرَتِ اللَّهُ النَّاسَ فَطْرًا نَاسًا عَلَیْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَیْمُ وَ لَا كُنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ (روم/۳۰). پیامبر اکرم(ص) در حدیثی می فرماید: «هر کودکی با فطرت خدایی تولد می یابد و این پدر و مادر او هستند که او را از مسیر فطرت سلیم خود (اسلام) منحرف می سازند؛ یهودی و نصرانی بار می آورند» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳ / ۲۸۱). والدین همان گونه که نیازهای زیستی فرزندان را تأمین می کنند، مسئولیت تربیت معنوی آنها را نیز بر عهده دارند تا فرزندان را با معارف الهی آشنا سازند. منظور از تربیت دینی ایجاد روحیه و میل مذهبی در کودک نیست زیرا این میل تکوینا در وجود او نهاده شده است و به ایجاد نیازی ندارد بلکه پدر و مادر وظیفه زمینه سازی شکوفایی و سپس تقویت آن را دارند. در روایات اسلامی آشنا کردن فرزندان با خدا به عنوان یکی از مسئولیت های خطیر والدین مطرح شده است. امام سجاد(ع) فرموده اند: «و إنک مسئول عما ولیته به حسن الأدب والدلاله علی ربه» (طبرسی، ۱۳۵۱: ۴۲۱): و تو نسبت به سرپرستی فرزند خود مسئولیت داری که او را خوب تربیت کنی و پروردگارش را به او بشناسانی. علاوه بر آشنا کردن فرزندان با مبدأ هستی، والدین وظیفه دارند مسائل مربوط به معاد را نیز به او بیاموزند. «یاد معاد، محرک نیرومند و قوی

است که نوجوانان را نه تنها به سوی ارزشهای انسانی هدایت می کند بلکه استعداد آنان را برای بهسازی و آبادی زندگی دنیوی و اخروی بیش از پیش به کار می اندازد و شکوفا می سازد؛ زیرا آنان به این باور می رسند که باید در جهان آخرت از عهده پاسخگویی به رفتار خوب و بد برآیند؛ نیز می آموزند که نباید در دنیا سربار دیگران باشند. او در سایه یاد معاد آزاد، مستقل و با عزت خواهد زیست و توانش را به کار خواهد گرفت تا با استفاده از نعمتهای الهی زندگی شرافتمندانه ای داشته باشد و با بهره گیری از این نعمتها سعادت اخروی را نیز فراهم خواهد ساخت» (طبسی، ۱۳۷۴: ۲۰۸).

- پرورش جنسی

یکی از قویترین غرائزی که در نهاد همه انسانها وجود دارد غریزه جنسی است و بقای بشر بستگی به وجود این غریزه دارد. آنچه حائز اهمیت است، هدایت و کنترل این غریزه خدادادی در سالهای مختلف است. «غریزه جنسی و شهوت و میل به جنس مخالف تنها از زمان بلوغ به وجود نمی آید بلکه از ابتدای طفولیت به صورت نهفته در وجود کودک هست» (غروی، ۱۳۷۴: ۶۰).

وظیفه والدین در تربیت جنسی این است که به سؤالات کودکان در زمینه مسائل جنسی به طریقی کودکانه و در چارچوب سؤالاتشان پاسخ دهند و در اوایل جوانی زمینه ازدواج فرزندان را فراهم کنند تا غریزه جنسی آنها در مسیر صحیح آن قرار گیرد. با توجه به اینکه غریزه جنسی در سالهای مختلف هست، اسلام توصیه های فراوانی درباره جدا کردن رختخواب فرزندان از رختخواب والدین در سن خاصی، جدا کردن رختخواب فرزندان از یکدیگر، پرهیز از بوسیدن فرزند دختر و پسر پس از سن شش سالگی توسط نامحرم و... دارد. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَذِينَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهْرِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نور/ ۵۸).

این دستورها و تأکیدات در فرهنگ اخلاقی اسلام برای این است که زمینه های انحراف و فساد در کودکان هرگز به وجود نیاید و قبل از اینکه مرحله درمان امراض اخلاقی و جنسی پدید آید از بروز آنها جلوگیری شود.

- پرورش اجتماعی

انسان فطرتاً موجودی اجتماعی است. کودکان و نوجوانان بخش عظیمی از اجتماع را تشکیل می دهند. شخصیت آنها و چگونگی آشنایشان با آداب اجتماعی در دوران کودکی و نوجوانی شکل می گیرد. ارزشها و ضد ارزشهایی که در جامعه وجود دارد در رفتار والدین با فرزندان ریشه دارد و نوع تربیت فرزندان در جامعه به آنها سمت و سو می دهد. در پرورش حس اجتماعی نخستین وظیفه والدین یاری کردن فرزند در خودشناسی است؛ زیرا خداوند انسانها را عزیز، باکرامت، آزاد و با سرشتی پاک آفریده و در بسیاری از آیات قرآن انسان را نسبت به آفریده‌های دیگر برتری بخشیده و جایگاه او را متعالی شمرده است؛ چنانکه خداوند در سوره اسراء می فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/۷۰)

والدین باید به فرزندان خود بیاموزند شخصیت خود را فرومایه ندانند و همواره در راه تکامل خود و دیگران بکوشند و آگاه باشند که خداوند برای آنها مقام خلیفه الهی را در نظر گرفته است و باید تلاش کنند تا به این مقام برسند. در منابع اسلامی توصیه های فراوانی به پرورش حس اجتماعی فرزند و آشنا نمودن وی با آداب اجتماعی در این زمینه وارد شده است؛ از جمله برخورد سالم اجتماعی. امام علی (ع) ضمن وصیتی به امام حسن (ع) فرمودند: «قولوا للناس حسنا كما أمرکم الله» (حرانی، ۱۴۱۶: ۱۹۵). با مردم به نیکویی سخن بگویید همان گونه که خداوند شما را بدان امر کرده است. داشتن عفو و گذشت: امام علی (ع) به فرزندشان امام حسن (ع) فرموده اند: «وَأَقْبِلْ عَذْرَ مَنْ أَعْتَدَ إِلَيْكَ وَأَقْبِلِ الْعَفْوَ مِنَ النَّاسِ» (متقی هندی، ۱۳۷۲: ۲۶۹/۱۶): عذر کسی را که از تو پوزش بخواهد بپذیر و پذیرای عفو و گذشت از مردم باش. حفظ اسرار دیگران: امام علی (ع) فرموده اند: «...و لا تذع سره و إن أذاع سرک» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۴/۲۰۸).

والدین در تربیت فرزندانشان ممکن است شیوه های مختلفی از جمله تشویق و تنبیه و... را برگزینند. در روایات اسلامی توصیه هایی در زمینه هر دو روش به کار رفته است که به بررسی آنها پرداخته می شود:

۱- تشویق

یکی از بهترین شیوه های تربیت اسلامی کودک تشویق است. «کودک در پرتو تشویق یاد می گیرد که مشکلات و سختیها را بر خود هموار سازد تا هدف مطلوب خود را دنبال کند و تداوم

تشویق به تداوم فعالیت‌های رشد دهنده کودک می‌انجامد» (طیسی، ۱۳۷۴: ۱۳۲). در فرهنگ اسلامی تشویق در موارد بسیاری به منظور تربیت افراد و معرفی الگو برای دیگران استفاده شده است. خداوند در قرآن کریم بندگان صالح خود را مورد تشویق و تمجید قرار داده است؛ مثلاً حضرت ایوب (ع) را به پاس صبر و پایداریش در مقابل سختیها مورد ستایش قرار داده و وی را از بهترین بندگان خود معرفی کرده است «وَ خُذْ بِيَدِكَ ضِغْتًا فَاضْرِبْ بِهِ وَ لَّا تَحْنَثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نُّعَمُّ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص/ ۴۴)

۲- تنبیه

یکی از مسائل پیچیده تربیتی، که والدین با آن روبه رو هستند، چگونگی برخورد با رفتارهای نادرست فرزندانشان است. از یک سو اگر در مقابل رفتار ناپسند فرزندان سکوت کنند، آنها بر خطاهای خود می‌افزایند و جسارت بیشتری پیدا می‌کنند. از سوی دیگر اگر واکنش نشان دهند و فرزندان را تنبیه کنند، چه بسا مشکلات دیگری به وجود آید. والدین باید توجه کنند هدفشان از تنبیه فرونشاندن خشم خود نباشد؛ زیرا حضرت علی (ع) در این باره می‌فرمایند: «لأدب مع غضب» (محمدری شهری، ۱۴۹۳: ۱/ح ۴۰۲): هرگز در هنگام غضب ادب به دست نمی‌آید و تا حد امکان از تنبیه بدنی فرزندانشان جلوگیری کنند. سیره معصومین (ع) بیانگر این است که تنبیه بدنی تنها در مواردی استفاده می‌شود که جنبه تربیتی و هدایتی داشته باشد. پیامبر اکرم (ص) در این باره فرموده اند: «علموا اولادکم الصلاه إذا بلغوا سبعا و إضربوهم علیها إذا بلغوا عشرا و فرقوا بینهم فی المضاجع» (محمدری شهری، ۱۴۹۳: ۱/ح ۴۰۲): به فرزندان خود وقتی به هفت سالگی رسیدند، نماز را یاد بدهید و اگر به ده سالگی رسیدند، آنان را با تنبیه به نماز وادار کنید و بین آنها هنگام خواب فاصله بیندازید. روش تربیتی اهل بیت (ع) تنبیه بدنی نیست و بهترین راه حلی که در موارد نیاز تنبیه بدنی عرضه شده این است که حتی در مواردی که به تنبیه بدنی نیاز است از این کار جلوگیری، و در چنین مواقعی با آنها قهر کنید. امام کاظم (ع) به یکی از یاران خود که از دست فرزندش به ستوه آمده بود و از او شکایت می‌کرد، فرمود: «لا تضربه و اهجره ول اطل» (محمدری شهری، ۱۴۹۳: ۱/ح ۴۰۹) او را کتک نزن با او قهر کن؛ اما خیلی طول نکشد. البته مدت قهر نباید به طول انجامد؛ «زیرا این عمل در روحیه کودک تأثیر بسزایی دارد و کودک احساس می‌کند با قهر کردن پدر یا مادر از او گویی تمام درها به رویش بسته می‌شود؛ هیچ راهی جز دست کشیدن از کارهای خلاف خود ندارد؛ پس می‌کوشد از کارهای زشت خود دست بردارد و از پدر و مادر یا

مربی هم پوزش بخواهد اما نباید قهر کردن خیلی طول بکشد و گرنه بازتابهای منفی دیگری خواهد داشت» (طیبی، ۱۳۷۴: ۱۴۴).

- آموزش

کودک برای رشد عقلی و توسعه ذهنی نیازمند آموزش است. در آموزه های اسلامی بر فراگیری دانش بسیار تأکید، و آموزش از حقوق فرزند بر پدر دانسته شده است. بر اساس روایاتی که در مورد آموزش وارد شده است حق آموزش کودک را می توان به دو بخش آموزش عمومی تقسیم کرد که شامل آموزش خواندن و نوشتن است. (در حدیثی حضرت علی (ع) از پدران خواسته اند که فرزندان خویش را به علم آموزی و دانش اندوزی وادار کنند: «مروا اولادکم بطلب العلم» (متقی هندی، ۱۳۷۲: ۵۸۴/۱۶)، آداب غذا خوردن، (حضرت علی (ع) ضمن دستورهایی به امام حسن (ع) فرمودند: «ألا اعلمک أربع خصال تستغنی بها عن الطب؟ قال: بلی. قال: لا تجالس علی الطعام إلا و انت جائع و لا تقم عن الطعام إلا و انت تشتهي وجود المضغ و إذانت فأعرض نفسك علی الخلاء...» (مالکی اشتری، ۱۳۸۸: ۷۳): فرزندم آیا به تو چهار چیز یاد ندهم که با عمل به آنها از دارو و درمان بی نیاز شوی؟ امام حسن پاسخ داد: چرا. علی (ع) فرمود: هیچ گاه بر سر سفره غذا منشین مگر اینکه گرسنه باشی و از سر سفره غذا بلند مشو مگر اینکه هنوز به غذا میل داشته باشی و غذا را خوب بجو و هرگاه خواستی بخوابی پیش از آن به دستشویی برو، آموزش نظامی. حضرت علی (ع) در روایتی از پیامبر (ص) نقل می کنند: «علموا اولادکم السباحه و الرمایه» (کلینی، ۱۴۰۱: ۴۷/۶): شنا و تیراندازی را به فرزندان خود آموزش دهید، آموزش علوم و معارف اسلامی. ابن عباس از پیامبر اکرم (ص) در این باره نقل می کند: «افتحوا علی صبیانکم اول کلمه لا إله إلا الله...» (متقی هندی، ۱۳۷۲: ۴۴۱/۱۶): اولین کلمه ای که بر زبان فرزندانان می گذارید «لا اله الا الله» باشد.

- احترام و تکریم فرزند

انسان در اثر غریزه حب ذات، که به طور فطری در نهاد او قرار داده شده است، میل به خوبستن دارد تا دیگران نیز به دیده احترام به او بنگرند و شخصیت وی را بپذیرند. کودکان و نوجوانان دوست دارند محبوب والدین خویش قرار گیرند و به شخصیت آنها احترام گذاشته شود. ریشه بسیاری از انحرافات اخلاقی جوانان از محیط خانواده سرچشمه می گیرد؛ از این رو اگر فرزندان در محیط خانواده مورد تکریم و احترام واقع شوند، این نیاز طبیعی آنها تأمین می شود؛ از

بسیاری از انحرافات اجتماعی جلوگیری می‌گردد و فرزندان احساس آرامش می‌کنند و در سایه عزت نفس و مناعت طبعی که به دست می‌آوردند، تمامی قوا و استعداد خود را به کار می‌گیرند و نبوغ نهفته خویش را آشکار می‌سازند. در نظام تربیتی اسلام تکریم و شخصیت دادن به فرزندان اهمیت ویژه‌ای دارد. پیامبرگرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «أكرموا أولادكم و احسنوا آدابهم يغفر لكم» (متقی هندی، ۱۳۷۲: ۱۹۵): فرزندان خود را احترام کنید و آدابشان را نیکوگردانید که مورد رحمت و بخشش قرار خواهید گرفت. احترام و تکریم فرزندان به روشهای مختلفی چون سلام کردن، خطاب نیکو، عیب جویی نکردن از کودکان، برخاستن و استقبال از فرزندان و... انجام می‌شود.

۱- سلام کردن به کودکان

سلام کردن به کودکان نشانه تواضع و بزرگی و سبب ارج نهادن به شخصیت کودکان و خوبی پیامبرانه است؛ پیامبر (ص) فرموده‌اند: «خمس لا ادعهن حتی الممات... و التسليم علی الصبيان لیکون سنه من بعدی» (محمدی ری شهری، ۱۴۹۳: ۵۳۸/۴): پنج چیز است که تا لحظه مرگ آنها را فراموش نمی‌کنم... یکی از آنها سلام گفتن به کودکان است تا این رفتار پس از من [در میان مسلمانان] سنت شود.

۲- خطاب نیکو

از دیگر نشانه‌های بزرگداشت فرزندان، انتخاب نام نیک و صدا زدن آنها با اوصاف و القاب نیکوست. رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: «إذا سمیت الولد فأکرموه و اوسعوه له فی المجلس و لا تقبوا له و جهها» (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۱۲۷/۱۵): وقتی نام فرزندان را می‌برید، او را گرامی بدارید و جای نشستن او را وسیع قرار دهید و نسبت به او رو ترش مکنید.

۳- عیبجویی نکردن از کودکان

چشم پوشی کردن و نادیده گرفتن عیوب فرزندان از راه‌های احترام به شخصیت فرزند است. هشام بن عروه از پدر خود نقل می‌کند: روزی مردی در حضور پیامبر (ص) به دلیل کاری که فرزندش انجام داده بود از او عیبجویی کرد. پیامبر (ص) به وی فرمود: «إنما اینک سهم من کنانتک» (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۵۸۴): فرزندت تیری از تیرهای تیردان توست.

۴- برخاستن و استقبال کردن از فرزندان هنگام ورود آنها به مجلس

در سیره پیامبر اکرم (ص) دیده می‌شود ایشان به طور معمول هنگام ورود افراد در مجلس به

احترام آنها می ایستاد و برای آنها جا باز می کرد. روایت شده است: پیامبر(ص) نشسته بود، حسنین(ع) به سوی آن حضرت آمدند؛ به احترام آنها ایستاد؛ چون به کندی حرکت می کردند، پیامبر(ص) به استقبال آنها رفت و آنها را بر دوش خود سوار کرد و فرمود: چه مرکب خوبی دارید و چه سواران خوبی هستید (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۳/ ۲۸۵).

۵- انتخاب دوست و کنترل دوستان

انسان به حکم اینکه اجتماعی است، غالباً زندگی به صورت فردی برای او غیر ممکن است؛ از این رو از ابتدای زندگی بتدریج هر چقدر بزرگتر می شود و با محیط های جدید در جامعه آشنا می شود، روابط نزدیکتری با دیگران پیدا می کند. یکی از وظایف مهم والدین درباره کودکان و نوجوانان، مراقبت و کنترل آنها در انتخاب دوست است. پدر و مادر باید خود رفیق فرزند باشند و در انتخاب دوست برای او محدودیتهای غیر منطقی ایجاد نکنند؛ زیرا طبق فرمایش پیامبر اکرم(ص) فساد رفتار غیر علمی بیش از اصلاح آن است. «هر کس بر اساس علم رفتار نکند، فسادی که ایجاد می کند، بیش از اصلاح اوست» (حرانی، ۱۴۱۶: ۴۶). پند و اندرز همراه با نرمی و عطف بهترین راه کنترل فرزند است پدر و مادر باید به شیوه های مختلف فرزند خود را از خطرهای همنشین بد و در مقابل از آثار مثبت رفاقت های خوب آگاه سازند. «بدون تردید یکی از عوامل سازنده شخصیت انسان پس از اراده و خواست خود او نقش دوستان است؛ زیرا غالب انسانها و بویژه نوجوانان بخش مهمی از افکار و صفات اخلاقی خود را از دوستانشان برمی گیرند و تحت تأثیر رفتار، گفتار و الگوی اخلاقی آنان قرار دارند» (طیسی، ۱۳۷۴: ۱۷۵).

خداوند در قرآن کریم به اهمیت و تأثیر دوست در سرنوشت انسان اشاره می کند و می فرماید: «و یَوْمَ یَعْصُ الطَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا» (فرقان/ ۲۹-۲۷): تأثیر دوست در انسان تا جایی است که برای شناخت هر فرد به دوستان و همنشینان او مراجعه می شود و از طریق آنها روحیه و شخصیت فرد مورد نظر را نیز به دست می آورند. حضرت سلیمان (ع) در روایتی به این مسئله اشاره می کند و می فرماید: «قبل از اینکه در مورد شخصی قضاوتی کنید به دوستان و رفقای او نگاه کنید؛ زیرا انسان تنها از روی همراهان و امثال خودش شناخته می شود» (محمدی ری شهری، ۱۴۹۳: ۲۹۷/۵-۲۹۶) نیاز به رفاقت و گزینش دوست، طبیعی است؛ لذا در اسلام اصل رفاقت هرگز نفی نشده است بلکه مورد سفارش نیز واقع شده است و تنها از جهت نوع

رفیق و کیفیت رفاقت محدودیتهایی عنوان شده است. حضرت علی (ع) در مورد انتخاب دوست واقعی می‌فرماید: «دوست واقعی کسی است که آنچه برای خود می‌خواهد برای رفیق خود نیز بخواهد و آنچه را برای خود نمی‌خواهد برای او نیز نخواهد» (محمدری شهری، ۱۴۹۳: ۳۰۴). در روایات اسلامی دوستی با انسانهای جاهل و فاسق، سخن‌چین، خائن، ظالم، احمق، بخیل، قاطع رحم، دروغگو و... مورد مذمت واقع شده است.

ج - حقوق فرزندان در دوره جوانی و وزیری

پیامبر گرامی اسلام (ص) در حدیث خود هفت سال سوم زندگی (یعنی ۲۱ - ۱۴ سالگی) را دوره وزارت، مشورت و رایزنی دانسته‌اند. لغت وزیر در این حدیث می‌تواند در دو معنا به کار رود: یکی با توجه به ریشه آن (وزر) به معنای حمل‌کننده بار سنگین و دیگری به معنای مشاور و معاون و دستیار که هر دو معنا می‌تواند در این دوره مصداق داشته باشد؛ زیرا در این دوره جوان هم باید بار گران مشکلات دوران بلوغ و تکلیف و مسئولیت بی‌واسطه بسیاری از کارهای خود را بر دوش بکشد و هم بر خلاف دوره قبل، که فرمانبردار بود، اکنون باید به عنوان مشاور، معاون و دستیار در تصمیم‌گیریها با اولیای خود همکاری کند. از ویژگیهای این دوره، آگاهی یافتن به حلال و حرام الهی است؛ زیرا از این دوره به بعد هر کسی بنا به سنت الهی باید مسئولیت کارهای خویش را بپذیرد؛ زیرا برای رفتار او ثواب و جزا در نظر گرفته می‌شود. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «الغلامُ یلعب سبع سنین و یتعلم الکتاب سبع سنین و یتعلم الحلال و الحرام سبع سنین» (کلینی، ۱۴۰۱: ۴۷/۶): پسر هفت سال باید بازی کند؛ هفت سال آموزش قرآن ببیند و هفت سال حلال و حرام را فرا گیرد.

امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «وَلَدُكَ رِيحَانُكَ سَبْعًا وَ خَادِمُكَ سَبْعًا، ثُمَّ عَدُوُّكَ أَوْ صَدِيقُكَ» (ابن ابی الحدید، بی تا: ۳۴۳/۲): فرزندت، هفت سال دسته گل تو و هفت سال خدمتکار توست؛ سپس یا دشمن توست و یا دوست تو. جوان در این دوره با پدر و مادر خویش یا از در دشمنی در می‌آید یا از در دوستی؛ «این نکته ناشی از این واقعیت است که اگر پدر و مادر، ویژگی فرزند خود را در این دوره بشناسد و مسئولیت و حق مشاورت و تصمیم‌گیری به او بدهد، او نیز با پدر و مادر خود کاملاً دوست و رفیق خواهد بود ولی اگر پدر و مادر غیر از این با او رفتار کنند و بخواهند مانند دوره‌های قبل همچنان بر او سلطه و حاکمیت داشته باشند و مسئولیت و حق تصمیم‌گیری لازم را به او ندهند، فرزندشان با آنها دشمن خواهد بود و محیط خانواده برای وی

آرامشبخش و پر جاذبه نخواهد بود» (مصباح و دیگران، ۱۳۷۴: ۱۵۴).

پیامبر اکرم (ص) با نسبت دادن وزارت به جوانان در حقیقت به اهمیت دوران جوانی اشاره کرده‌اند و اینکه باید مورد احترام و تکریم قرار گیرند. ایشان در حدیثی می‌فرمایند: «اوصیکم بالشبان خیر افینهم ارق أفنده إن الله بعثی بشیرا نذیرا فخالفنی الشبان و خالفنی الشیوخ ثم قرأ فطال علیهم الا مد فقست قلوبهم» (رحیمی، ۱۳۵۵: ۱۰): شما را به نیکی درباره جوانان سفارش می‌کنم؛ زیرا آنها دلی رقیقتر و قلبی نصیحت پذیرتر دارند. پروردگار بزرگ مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم؛ جوانان سخنانم را پذیرفتند و با من هم‌پیمان شدند ولی پیران از قبول دعوتم سرباز زدند و از در مخالفت در آمدند. از جمله وظایف والدین در این دوره می‌توان به مشورت کردن با فرزندان، تزویج فرزند و آینده‌نگری درباره فرزندان اشاره کرد.

- مشورت کردن

مشورت کردن با جوان نشانه بزرگداشت و شخصیت قائل شدن برای اوست؛ این گونه توجه اندیشه و تفکر آنان را بارور می‌سازد و استعدادهای عقلی نهفته در وجودشان را به سوی خلاقیت و نوآوری علمی و استقلال فکری و نظردادن در مسائل مختلف سوق می‌دهد و تواناییهای بالقوه آنان را آشکار می‌سازد و در اداره زندگی در آینده، آگاه و توانمند می‌گرداند. در سیره معصومین (ع) و پیامبران مشورت با فرزندان در کارهای مختلف مشاهده می‌شود؛ چنانکه قرآن کریم به مشورت حضرت ابراهیم (ع) با فرزندش اسماعیل (ع) در ذبح کردن وی اشاره می‌کند و می‌فرماید: «قَبَسْرَنَاهُ بِنُحْلَامٍ حَلِيمٍ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ» (صافات / ۱۰۲ - ۱۰۱). «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ» یعنی به مرحله‌ای رسید که می‌توانست در مسائل مختلف زندگی همراه پدر تلاش و کوشش، و او را یاری کند؛ این همان سن بلوغ است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۲۳۰).

- آینده‌نگری درباره فرزندان: وظیفه والدین تنها تأمین نیازهای مادی فرزندشان نیست؛ زیرا این امور به طور طبیعی تأمین خواهد شد بلکه یکی از مسئولیتهای خطیر پدر و مادر این است که در مورد آینده فرزند خویش بیندیشند و با برنامه ریزی و درایت و توجه به ارزشهای والای اسلامی، زمینه آینده روشن و موفقیت آمیزی برای فرزندانشان فراهم سازند و از این وظیفه مهم غفلت نورزند؛ زیرا غالباً آینده فرزندان به دست والدین رقم می‌خورد. آینده‌نگری والدین نسبت

به سرنوشت فرزندان ايجاب می کند که به ازدواج و شغل آینده فرزند بیش از پیش توجه کنند.
- ازدواج فرزندان

ازدواج نیازی غریزی است که از درون انسان و بدون تلقین و آموزش سرچشمه می گیرد. دین اسلام به ازدواج بسیار اهمیت می دهد و توصیه های فراوانی در قالب آیات و روایات به منظور تسریع در این زمینه عرضه کرده است؛ آن گونه که خداوند در سوره نور در این باره می فرماید: «وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِيمَانِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْطِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور/۳۲). پیامبر اکرم (ص) یکی از حقوق فرزندان را ازدواج می داند و می فرماید: «من حق الولد على والده ثلاثة: يحسن إسمه ويعلمه الكتابه ويؤوجه إذابلق» (طبرسی، ۱۳۵۱: ۲۲۰). از حقوقی که فرزند بر پدر دارد سه چیز است: نام نیکی برای او انتخاب کند و خواندن و نوشتن یادش دهد و چون به سن بلوغ برسد همسری برایش انتخاب کند. باید توجه داشت که گرفتن همسر برای فرزند حق است؛ اما انتخاب همسر خوب و شایسته، وظیفه است؛ از این رو والدین موظفند هرگونه سهل انگاری و ساده نگری به امور مربوط به ازدواج را کنار گذارند و براساس معیارهای اصیل اسلامی همسری شایسته برای فرزند خویش انتخاب کنند. روایات اسلامی معیارهای فراوانی را در انتخاب همسر در نظر گرفته اند؛ از جمله اینکه همسر باید فردی پرهیزکار، امانتدار، خوش اخلاق و... باشد. یکی دیگر از حقوق فرزندان بویژه دختران در ازدواج مورد مشورت قرار آنهاست به گونه ای که ازدواج آنها اجباری نباشد؛ چنانکه پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: «إذا أراد أحدكم أن يزوجه ابنته فليستأمرها» (متقی هندی، ۱۳۷۲: ۱۶/۳۱۱). اگر هر یک از شما بخواهد دختر خود را شوهر دهد، نخست با دختر مشورت کند؛ همان گونه که در سیره پیامبر اکرم (ص) مشاهده می شود ایشان هنگامی که حضرت علی (ع) از دخترشان حضرت زهرا (س) خواستگاری کرد نظر آن حضرت را در این باره جویا شدند.

- انتخاب شغل

از دیگر وظایف والدین انتخاب شغل و تأمین آینده شغلی فرزندان است. «والدین باید توجه کنند همین که فرزندان شغلی را که از نظر شرع حرمت یا کراهت نداشت، انتخاب، و یا به آن اظهار علاقه کرد، او را تشویق و یاری کنند تا در آن جهت رشد بکند و پیش برود» (طبرسی، ۱۳۷۴: ۳۰۸). در سیره بزرگان دینی نیز همواره مشاهده می شود که ضمن توجه به سایر امور فرزندان خود به شغل آنها نیز عنایت داشته اند و توصیه هایی از آن بزرگواران در این زمینه عرضه شده است؛

چنانکه قرآن کریم به این امر اشاره می‌کند و می‌فرماید: مادر حضرت مریم(س) قبل از تولد فرزندش نذر می‌کند وی را خادم مسجد الاقصی کند. «إِذْ قَالَتْ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ* لَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (آل عمران/ ۳۶ و ۳۵). این آیه بیانگر اهمیت این است که والدین باید از دوران کودکی تدابیر لازم را برای شغل فرزند خویش بیندیشند. در روایات اسلامی نیز توصیه‌های فراوانی برای اشتغال فرزندان شده، و برخی از مشاغل نهی شده است.

«تمام این مشاغلی که مورد نهی کراهتی معصومین(ع) قرار گرفته، یقیناً دارای آثار وضعی است و به نوعی بر انسان اثر منفی می‌گذارد. گر چه اشتغال به این مشاغل حرمت و منع شرعی ندارد مگر اینکه خود شخص نسبت به برخی از مشاغل مانند صرافی و... یقین کند که به دام رباخواری خواهد افتاد که در این صورت انتخاب آن شغل حرام خواهد بود؛ چون مقدمه تجارت حرام و رباخواری است» (طبسی، ۱۳۷۴: ۳۱۰).

نتیجه

انسان در راستای رحمت و محبت خداوند به کمال می‌رسد که این کرامت انسانی را به دنبال دارد. اگر شخص مورد محبت افراد خانواده قرار گیرد، احساس امنیت و ارزشمند بودن می‌کند؛ از این رو عزت نفس می‌یابد که نتیجه آن آبادانی جامعه خواهد بود. در بینش اسلامی حیات خانواده بر ضوابط ایمان و اخلاق و بر حقوقی متکی است که دامنه آن در برگیرنده شأن زن، شوهر، فرزندان و والدین است. طبق فرمایش امام رضا(ع) نظیر همان حقوقی که از پدر و مادر برگردن فرزند ثابت است از فرزند نیز برگردن بر پدر و مادر ثابت است. حقوق فرزندان را بر اساس یک طبقه بندی می‌توان به حقوق مادی و معنوی اخلاقی تقسیم کرد: حقوق مادی آنها شامل نفقه وارث است. حقوق معنوی اخلاقی فرزندان سه مرحله قبل از تولد، هنگام تولد و پس از تولد را شامل می‌شود. حقوق معنوی فرزندان قبل از تولد شامل دقت در انتخاب مادر شایسته، مراقبت هنگام مباشرت، حق زندگی، مسئولیت والدین در برابر جنین و تغذیه مادر است.

حقوق فرزند هنگام تولد شامل شیردادن، انتخاب نام نیکو، رعایت سنتهای وارد شده در روز هفتم تولد است. انتخاب نام برای فرزند تاجایی اهمیت دارد که پیامبر اکرم (ص) انتخاب نام نیکو را از جمله حقوق فرزندان شمرده اند.

مسئولیت والدین در برابر فرزندان با تولد آنها به پایان نمی رسد بلکه می توان گفت مسئولیت اصلی والدین پس از تولد فرزندان و از اوان کودکی چه بسا بیشتر و سخت تر شود. از دیدگاه اسلامی مراحل رشد انسان پس از تولد را می توان به سه دوره متوالی تقسیم کرد. از نظر پیامبر (ص) مراحل رشد انسان به سه دوره سیادت، اطاعت و وزارت تقسیم می شود که در هر یک از این مراحل، فرزندان حقوق مختلفی و والدین در مقابل آنها وظایفی بر عهده دارند.

دوره سیادت از تولد آغاز می شود و تا سن هفت سالگی ادامه می یابد. در این دوران، کودک تکلیف و مسئولیت ندارد و اگر والدین از او درخواست کردند که کاری را انجام دهد، نباید مورد مؤاخذه و سؤال قرار گیرد. از وظایف والدین در این برهه از زندگی فرزندان توجه به بازی کودکان و وضعیت مربوط به آن، محبت به فرزند و اظهار کردن آن، رعایت عدالت بین فرزندان، وفای به عهد و پیمان است.

دوره اطاعت و نوباوگی به عنوان مرحله ای تعیین کننده و حساس در سرنوشت فرزند است؛ به همین دلیل اسلام توجه و عنایت خاصی به آن مبذول داشته است. وظیفه والدین است که در این هفت سال مقدمات آموزش و یادگیری کودکان را فراهم سازند و قوانین، مقررات و مهارتهای لازم را به او آموزش داده شود.

دانشمندان آموزش و پرورش این دوره را بهترین زمان برای آغاز آموزش و تربیت کودک می دانند. وظایف والدین در این مرحله تربیت قوام بخش، توجه به آموزش، احترام و تکریم، مشورت و انتخاب و کنترل دوستان فرزندان است.

در این مرحله تربیت فرزند در ابعاد مختلف دینی و معنوی، عاطفی، اجتماعی، جنسی و اقتصادی صورت می گیرد.

یکی از حساسترین مراحل زندگی آدمی دوره جوانی است که از جمله ویژگیهای این دوره، آگاهی یافتن به حلال و حرام الهی است. یکی دیگر از ویژگیهای این دوران این است که جوان در این دوره با پدر و مادر خویش یا از در دشمنی در می آید یا از در دوستی. از جمله وظایف والدین در این دوره می توان به مشورت کردن با فرزند، تزویج فرزند و آینده نگری درباره

فرزندان اشاره کرد.

مشورت کردن با جوان نشانه احترام و تکریم و شخصیت قائل شدن برای اوست؛ این گونه توجه و عنایت، اندیشه و تفکر آنان را بارور می سازد و استعدادهای عقلی نهفته در وجودشان را به سوی خلاقیت و نوآوری علمی و استقلال فکری و نظردادن در مسایل مختلف سوق می دهد و توانایی بالقوه آنان را آشکار می سازد و فرزندان را در اداره زندگی خود در آینده آگاه و توانمند می گرداند.

منابع فارسی

قرآن کریم.

- ابن ابی الحدید (بی تا). شرح نهج البلاغه. بی جا: موسسه اسماعیلیان للطباعه والنشر والتوزیع.
- ابن شعبه حرانی، حسن علی بن حسین (۱۴۱۶). تحف العقول. تهران: اسلامیه.
- ابن ابی الدنیا، ابن قیم (بی تا). کتاب العیال. دمشق: دار ابن قیم.
- الله یاری، حمیده (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی فرزندپروری در روان شناسی و شیوه های تربیت فرزند در اسلام. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان
- بابازاده، علی اکبر (۱۳۷۵). مسائل ازدواج و حقوق خانواده. چ ۳. بی جا: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.
- حرعاملی، محمد بن الحسن (۱۳۶۷). وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه. چ ۶. تهران: بی نا.
- رحیمی، مصطفی (۱۳۵۵). مجموعه مقالات. بی جا: انتشارات امیرکبیر.
- رنجبری حیدرباغی، احمد (۱۳۸۳). متن و ترجمه رساله الحقوق امام سجاد(ع). قم: مؤسسه انتشارات حضور.
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین قمی (۱۴۱۰). الامالی. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین قمی (بی تا). من لایحضره الفقیه. ترجمه علی اکبر غفاری و محمد جواد بلاغی. بی جا: نشر صدوق.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلام
- جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۰۸). تفسیر مجمع البیان. چ ۲. بیروت: دارالمعرفه.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۵۱). مکارم الاخلاق. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طوسی، محمدجواد (۱۳۷۴). حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت. قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
- غروی، بانو (۱۳۷۴). تربیت فرزند. تهران: مؤسسه انتشارات نبوی.
- قائمی امیری، علی (۱۳۷۰). خانواده و تربیت کودک. چ ۹. تهران: انتشارات امیری.

- قمی، عباس (۱۳۶۳). سفینه البحار و مدینه الحکم والاثار. تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱). فروع کافی. بیروت: دارالصعب دار التعریف.
- مالکی اشتری، ورام بن ابی فراس (۱۳۸۸). مجموعه ورام. تهران: دارالکتب اسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). بحار الانوار. تهران: اسلامیة.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۵). حکمت نامه کودک. قم: دارالحديث.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۴۹۳). میزان الحکمه. قم: دارالحديث.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۳۷۲). کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال. بیروت: مؤسسه الرساله.
- مصباح، علی و دیگران (۱۳۷۴). روانشناسی رشد. ج ۲. تهران: انتشارات سمت.
- نجفی، محمد بن الحسن (بی تا). جواهر الکلام. بیروت: دارالاحیاء والتراث العربی.
- نوری، میرزا حسن (۱۳۸۲). مستدرک الوسائل. تهران: المکتبه الإسلامیة.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی